

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: المیادین انگلیسی
نویسنده: رابرت اینلاکش
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۰۸ جنوری ۲۰۲۵

چقدر احتمال آتش بس در غزه وجود دارد؟



آتش بس متوقف شده در غزه به دلیل برنامه‌های الحاق سرزمین‌های اشغالی توسط «اسرائیل»، اختلافات سیاسی، و تشنج‌های منطقه‌ای به تأخیر افتاده است. در این میان، مقاومت فلسطین همچنان استوار باقی مانده و ناتوانی «اسرائیل» در اعلام پیروزی قاطع را علی‌رغم حملات سنگین و نظارت جهانی برجسته می‌کند. اگر نخست‌وزیر اسرائیل بخواهد حمایت لازم برای چنین آتش بسی را به دست آورد، باید افراط‌گرایان را در کنار خود داشته باشد و این تنها با تحقق وعده الحاق کرانه باختری ممکن است. با توقف مجدد مذاکرات آتش بس در غزه، برخی تحلیلگران معتقدند که آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ می‌تواند کلید این مسأله باشد. با این حال، چشم‌انداز پایان جنگ به عوامل متعددی بستگی دارد که اعلام پیروزی اسرائیل را غیرممکن کرده است.

علی‌رغم پیشرفت‌های اخیر در جهت تضمین آتش بس در نوار غزه، رژیم صهیونیستی بار دیگر از تاکتیک‌های تعویقی خود برای یافتن لحظه‌ای مناسب استفاده کرده است. در حالی که مقاومت غزه در جزئیات مبادله اسراء و توقف درگیری‌ها انعطاف‌پذیری نشان داده، در میدان نبرد نیز ثابت‌قدم بوده و اعلام پیروزی اسرائیل را غیرقابل باور کرده است.

تحلیل پذیرفته شده در این مرحله این است که با آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، احتمال آتش بس در غزه به

میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت. گفته می‌شود که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، حتی ممکن است اجرای چنین توافقی را به‌عنوان هدیه‌ای به ترمپ ارائه کند؛ و ریاست‌جمهوری او را با یک موفقیت دیپلماتیک آغاز کند. همچنین باید توجه داشت که ثروتمندترین میلیاردی صهیونیستی، میریام ادلسون، تعهد داده بود که ۱۰۰ میلیون دلار به کمپین ترمپ کمک کند، با این شرط که در مقابل، وی اجازه دهد اسرائیل الحاق کرانه باختری اشغالی را انجام دهد.

چه چیزی می‌تواند آتش بس در غزه را شکل دهد یا نابود کند؟

واقعیتی که باید در مورد رویکرد اسرائیل نسبت به آتش بس/توافق تبادل اسراء پذیرفت این است که ایالات متحده از اهرم فشار خود برای تضمین آن استفاده نخواهد کرد و صرفاً در تلاش است تا از رژیم صهیونیستی در جهت دستیابی به بهترین توافق ممکن حمایت کند. بنابراین، استدلال‌هایی درباره احتمال استفاده دولت ترمپ از نفوذ واشنگتن، پوچ بوده و باید به‌عنوان خیالی رد شوند.

دلیل این که ترمپ می‌تواند در این مسأله تفاوت ایجاد کند، به دو عامل اصلی بازمی‌گردد:

(۱) حمایت گسترده او در داخل رژیم صهیونیستی.

(۲) تمایل او برای نابودی کامل ایده به‌اصطلاح «راهل دو دولت».

هیچ‌کس در میان اسرائیلی‌ها به‌اندازه ترمپ حمایت عمومی ندارد؛ در واقع، او در میان آن‌ها بیشتر از مردم کشور خود در ایالات متحده محبوب است. این بدان معناست که حرف او وزن دارد و حمایت او از ائتلاف تحت رهبری نتانیاهو می‌تواند عناصر بنیادگرای دولت او را مجبور به همراهی کند. علاوه بر این، در اجازه دادن به الحاق کرانه باختری اشغالی هیچ تردیدی نخواهد داشت.

این دو مؤلفه برای اطمینان از این که توافق غزه ائتلاف فعلی اسرائیل را فرو نمی‌پاشاند، ضروری هستند. اگر نخست‌وزیر اسرائیل بخواهد حمایت لازم برای چنین آتش بسی را به دست آورد، باید افراط‌گرایان را در کنار خود داشته باشد و این تنها با تحقق وعده الحاق کرانه باختری ممکن است.

علاوه بر اختلافات سیاسی داخلی در اسرائیل، فعالیت‌ها و خطر نبرد در جبهه‌های مختلف نیز از مسائل اصلی است. برای الحاق کرانه باختری، ارتش اسرائیل نیاز به استقرار تعداد زیادی سرباز، نیروهای امنیتی خصوصی و پولیس اشغالگر در این سرزمین خواهد داشت. در صورت بروز ناآرامی‌های گسترده مدنی یا حتی بدتر، مانند فروپاشی تشکیلات خودگردان فلسطین، اسرائیل باید نیروئی متشکل از صدها هزار جنگجو را برای کنترل اوضاع به این سرزمین اعزام کند.

در حال حاضر، ارتش صهیونیستی در وضعیت فرسودگی قرار دارد؛ بسیاری از سربازان آن از بازگشت به خدمت و اعزام مجدد به نوار غزه سر باز می‌زنند. آن‌ها ده‌ها هزار نیروی زخمی دارند و شمار زیادی نیز از اختلالات روانی رنج می‌برند که همه این‌ها تنها بر دوش این رژیم سنگینی می‌کند. همچنین کمبودی در نیروهای عملیاتی وجود دارد که اسرائیلی‌ها برای عملکرد صحیح ارتش خود به آن نیاز دارند، و این امر باعث تلاش‌های ناامیدانه برای جذب نیروهای ذخیره جدید و وادار کردن جمعیت فوق‌ارتدوکس به خدمت نظامی شده است.

در بهترین سناریو برای اسرائیلی‌ها – هنگام اجرای طرح الحاق – همچنان لازم است که منابع و نیروی انسانی عظیمی را برای اجرای صحیح این برنامه اختصاص دهند. این امر برای درک دشواری‌های پیش روی این الحاق ضروری است، به‌ویژه اگر یکی از جبهه‌های جنگ مختلف، به‌خصوص در لبنان یا سوریه، گسترش یابد.

اگرچه آینده مقاومت در داخل خاک سوریه نامشخص است و قطعی نیست، اگر چنین نیروئی بتواند در جنوب این کشور ظهور کرده و با اشغالگری مقابله کند، مقابله با آن مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان خواهد بود و بشدت توان نظامی رژیم صهیونیستی را تضعیف خواهد کرد. هرچند به نظر می‌رسد این جبهه کمترین احتمال را برای بازگشت به جنگ دارد، اما همچنان یک علامت سؤال باقی می‌ماند.

در مورد لبنان، اسرائیلی‌ها حتی یک روز به آتش بس احترام نگذاشته‌اند و صدها مورد نقض انجام داده‌اند. رژیم صهیونیستی نه تنها به حضور خود در جنوب لبنان ادامه می‌دهد، بلکه در طول این مدت بیشتر به داخل کشور نفوذ کرده و وارد مناطقی شده که به دلیل مقاومت شدید قبلی نتوانسته بود به آن‌ها دست یابد.

اسرائیلی‌ها اکنون درباره اشغال دوباره جنوب لبنان صحبت می‌کنند، روزانه خانه‌ها، مساجد و زیرساخت‌ها را منفجر می‌کنند، غیرنظامیان را می‌کشند، اهدافی را در عمق کشور بمباران می‌کنند و پرچم‌های خود را در جنوب به صورت تحریک‌آمیز به نمایش می‌گذارند. چنین وضعیتی از زمان بیرون راندن رژیم صهیونیستی از لبنان توسط حزب‌الله در سال ۲۰۰۰ و شکست دوباره آن‌ها در سال ۲۰۰۶ برای آزادسازی سرزمینشان، بی‌سابقه بوده است. هیچ راهی وجود ندارد که وضعیت لبنان به همین شکل باقی بماند؛ یا اسرائیلی‌ها تصمیم به ترک کامل این کشور می‌گیرند، یا در نهایت با پاسخ حزب‌الله مواجه خواهند شد.

اگر این جبهه‌ها شعله‌ور شوند یا تشنج‌ها با ایران تشدید یابد، اجرای طرح الحاق برای تصمیم‌گیرندگان در «تل‌ابیب» به مأموریتی دشوار تبدیل خواهد شد و آن‌ها را با شرایطی خطرناک روبه‌رو خواهد کرد. بار دیگر، بدون اجرای الحاق کرانه باختری، تصور این که رژیم صهیونیستی بتواند به یک آتش‌بس در غزه دست یابد دشوار خواهد بود.

علاوه بر این، مقاومت فلسطین در غزه همه را شگفت‌زده کرده است. آن‌ها نه تنها به جنگ ادامه می‌دهند، بلکه همچنان توانائی راکت‌باران قدس و تل‌ابیب را دارند. در واقع، آخرین شلیک راکت‌های دوربرد از نوار غزه به سمت قدس اشغالی از منطقه بیت حانون انجام شد، جایی که اسرائیلی‌ها تقریباً در تمام طول جنگ در آنجا مستقر بوده‌اند.

رزمندگان مقاومت فلسطین همچنان به کشتن و زخمی کردن سربازان اسرائیلی، نابودی و آسیب رساندن به خودروهای نظامی آن‌ها و شلیک راکت‌ها و پهپادها ادامه می‌دهند. این اقدامات در حالی انجام می‌شود که تقریباً ۱۵ ماه از درگیری‌ها گذشته و خطوط تأمین آشکار به غزه وجود ندارد. با این حال، مردم همچنان پایدار مانده‌اند و مقاومت به جذب مبارزان جدید و تولید تسلیحات ادامه می‌دهد.

به دلیل امتناع مردم غزه از کنار گذاشتن آرمان خود، آن‌ها چندین تلاش برای تحمیل حکومت جدید بر خود را خنثی کرده‌اند. باوجود تحمل یک نسل‌کشی و از دست دادن تمام دارائی‌هایشان، اجازه نداده‌اند که رژیمی خارجی یا مبارزان خارجی بر آن‌ها تحمیل شود. همچنین، صهیونیست‌ها هیچ ستراتیژی معتبری برای تسلط بر سرزمین فلسطین ارائه نکرده‌اند و نتوانسته‌اند حماس را نابود کنند.

این مسأله دیگری است که مطرح می‌شود: «روز بعد چگونه خواهد بود؟» هنوز پاسخی روشن برای این پرسش وجود ندارد و هیچ‌یک از پیشنهادهای موجود نمی‌تواند به صهیونیست‌ها تصویری از یک پیروزی کامل را که از ابتداء ارائه داده بودند، بدهد.

۰۷ جنوری ۲۰۲۵